

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	مقدمه
۳	تاریخچه ریسک
۵	تعریف ریسک
۷	انواع ریسک
۷	۱-ریسک در سازمانهای مالی
۷	الف) ریسک مالی
۹	ب) ریسک تجاری
۱۲	۲-ریسک در سرمایه گذاری
۱۲	الف) ریسک غیر سیستماتیک
۱۲	ب) ریسک سیستماتیک
۱۳	منابع ریسک
۱۴	اندازه گیری ریسک
۱۷	ابزارهای کنترل ریسک
۱۹	رابطه ریسک و بازده
	مدیریت ریسک
۲۱	چکیده
۲۲	تکامل مدیریت ریسک
۲۳	تعریف مدیریت ریسک
۲۴	نقش مدیریت ریسک
۲۴	اهداف مدیریت ریسک
۲۶	ابزارها و روشهای مدیریت ریسک
۲۷	عناصر اصلی در مدیریت ریسک
۲۸	شش گام در فرآیند مدیریت ریسک
۲۹	چرا مطالعه مدیریت ریسک مهم است؟
۲۹	هدف مدیریت ریسک است نه اجتناب از ریسک
۳۱	نتیجه گیری
۳۲	منابع و مأخذ

مقدمه :

زندگی امروز در حالی ادامه می یابد که سایه افکنی شرایط عدم اطمینان بر کلیه امور، به علل مختلف فرایند تصمیم گیری را به کلی متحول ساخته است. تغییرات قیمت کالاهای اساسی، تغییر نرخ سود و همچنین قیمت سهام مواردی هستند که سازمانهای امروزی دائماً با آن دست به گریبانند. این تغییرات در کنار سایر تغییرات محیطی سازمانها، باعث ظهور نظریات جدید علمی در حوزه مدیریت شده است.

در تصمیم گیری های مدیریتی هیچ مبحثی ضروری تر و مهمتر از ارزیابی و مدیریت ریسک نیست. قیمت سهام تا حدودی از میزان ریسکی که سرمایه گذار برای ماندن در شرکت آن را می پذیرد متاثر میشود و شرکتها معمولاً سعی میکنند ترکیب مناسبی میان ریسک و بازده ایجاد کنند بطوری که بتوانند ثروت سهامداران را به حداکثر برسانند. منظور پیدا کردن یک راه حل سرمایه گذاری قابل قبول نیست بلکه تعیین یک وضعیت مناسب برای معیار ریسک و بازده است.

تصمیم گیری در مورد طرحهای سرمایه گذاری اغلب براساس سودآوری میزان ریسک و ریسک پذیری مدیریت و سهامداران صورت می پذیرد.

ریسک جزء لاینفک زندگی انسانهاست و سازمانهاست و کلیه موقعیتهای تصمیم گیری با یک نوع یا طیف متنوعی از ریسکها روبرو است پذیرش ریسک به خودی خود بد نیست مهم اینست که بدون دلیل منطقی در معرض ریسک قرار نگیریم. زندگی بشر با پذیرش ریسک عجین شده بنحوی که شاید عدم ریسک پذیری مطلق موجب میشد که زندگی انسانها در مرتبه پایینتری نسبت به سطح فعلی قرار بگیرد از دیدگاه مالی کسب بازده پذیرش ریسک را توجیه می کند اما این موضوع شرایط و مسائل مهم و دقیقی را نیز به همراه ریسک قیمت کالاها و سهام، ریسک ارز و ...

وجود ریسک میتواند تصمیم گیری قطعی را ناممکن کند و یا راهبرد دیگری را بطلبد. امروز دزد دنیا کسب سودهای فراوان و بسیار بالاتر از حد متعارف سؤال بر انگیز است چرا که بلافاصله ذهن را متوجه ریسکهای بالا در تصمیم گیری های مالی میکند.

تاریخچه ریسک :

ریشه ریسک از کلمه ایتالیایی RISCARE به مفهوم TO VENTURE است. این مفهوم بمعنی تقبل ریسک در اتخاذ آگاهانه تصمیم دلالت دارد به عبارتی تحمل میزان ضرر و یا احتمال ضرر آتی که از هر تصمیم یا پدیده بالقوه ناشی میشود. بطور کلی تا دهه ۵۰ نگرش به ریسک محدود، یک بعدی و کیفی بوده است. مارکویتز دانشمند آمریکایی اولین کسی بود که مقوله ریسک را کمی کرد. مارکویتز اعلام داشت که تصمیمهای مالی بایستی براساس ریسک و بازده انجام شود و نتیجه کارا و ارائه خط مقدم کارا بود. کلیه نقاط روی این خط بهینه بودند به این معنی که در یک سطح مشخص بازده کمترین ریسک و در یک سطح مشخص بیشترین بازده را نصیب سرمایه گذار میکردند. ویلیام شارپ بتا (beta) را معرفی کرد. بتا حرکت یک سهم در مقابل حرکت بازار را اندازه گیری میکند و به آن ریسک نسبی نیز گفته میشود.

در دهه ۷۰ مک کالی دیرش را معرفی کرد، دیرش نیز معیاری از ریسک است که تغییرات قیمت اوراق بهادار با درآمد ثابت را در مقابل تغییر نرخ بهره اندازه گیری میکند.

در دهه ۱۹۸۰ و سالهای نخستین دهه ۱۹۹۰ شرکتها در بسیاری از موارد، دیدگاه خود را نسبت به ریسک تغییر دادند. فراتر اینکه بسیاری از رویدادهای این سالها باعث شد که هدفهای بلند مدت ریسک برای همیشه تغییر کند. مدیرانی که از این بابت ناآگاه و بی اعتنا بودند دچار مشکلات بزرگی شدند و هزینه های سنگینی را پرداخت نمودند.

میزان ورشکستگی بانکها به سطحی رسید که از دهه ۱۹۳۰ تا آن زمان بی سابقه بود. حتی شرکتهایی که توانستن خود را نجات دهند تنها به افزایش ارزش بسیار اندک و رشدی ناچیز اکتفا کردند.

سرانجام در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ مدیریت ریسک مورد توجه مقامات ارشد و اجرایی شرکتها قرار گرفت. در آن سالها مدیریت ریسک میتواند همانند هر متغیر دیگری بر سود شرکت اثر بگذارد.

از لحاظ تاریخی ریسک بازار موضوعی جدید محسوب میشود که شناخت آن به بعد از دهه ۸۰ یعنی هنگامیکه تغییرات عمیقی در بازارهای مالی نمایان شد برمیگردد. با فن آوری اطلاعات و انقلاب اطلاعات، روند جهانی شدن اقتصاد و بازارهای مالی در حال پیوند خوردن به هم هستند اکنون بازارهای مالی دنیا از هم تاثیر می پذیرند و این سبب شده است که ریسک بازار بیش از پیش اهمیت یابد.

تعریف ریسک:

برای درک طبیعت ریسک ابتدا باید از تعریف آن آغاز کرد، اگر چه تفاوت‌های فراوانی در چگونگی تعریف ریسک وجود دارد تعریفی که ارائه میشود به طور مختصر ماهیت آن را نشان میدهد.

ریسک یعنی ((احتمال متحمل شدن زیان))، این تعریف دارای دو جنبه اصلی از ریسک است؛

۱- مقدار زیان بایستی ممکن باشد.

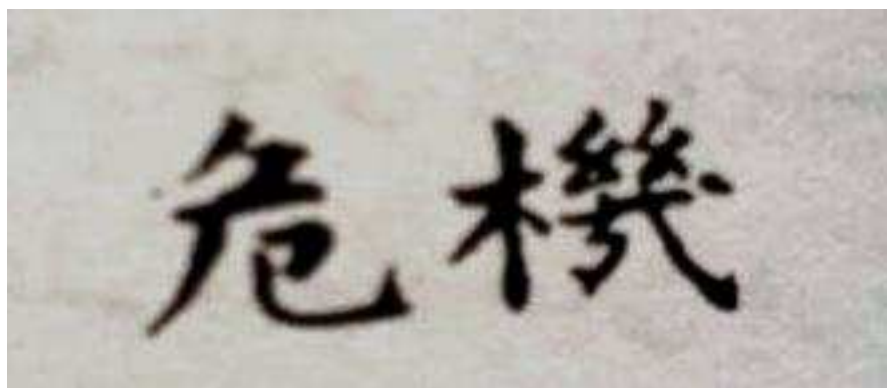
۲- عدم اطمینان در رابطه با آن زیان بایستی وجود داشته باشد.

در اکثر تعاریفی که از ریسک شده است بصورت روشنی به دو جنبه آن یعنی زیان و عدم اطمینان اشاره شده است و سومین جنبه آن یعنی انتخاب معمولاً بصورت ضمنی مورد اشاره قرار میگیرد که منظور از انتخاب چگونگی توجه نمودن به آن است این سه شرط پایه های اساسی ریسک و مبنایی برای عمیقتر آن ریسک هستند .

ریسک در زبان عرف عبارتست از : خطری که به علت عدم اطمینان در مورد وقوع حادثه ای در آینده پیش می آید و هر چقدر این عدم اطمینان بیشتر باشد اصطلاحاً گفته میشود ریسک زیادتر است .

فرهنگ وبستر ، ریسک را در معرض خطر قرار گرفتن تعریف کرده است . فرهنگ لغات سرمایه گذاری نیز ریسک را زیان بالقوه سرمایه گذاری که قابل محاسبه است میداند.

ریسک در زبان چینی با علامت زیر تعریف شده است :



علامت اول بمعنی خطر و علامت دوم به مفهوم فرصت می باشد . بعبارت دیگر ریسک ما را با شرایطی مرکب از خطر و فرصت مواجه می سازد .

گالیتز ریسک را هرگونه نوسانات در هر گونه عایدی میداند ، تعریف مذکور این مطلب را روشن میکند که تغییرات احتمالی آینده برای یک شاخص خاص چه مثبت و چه منفی ما را با ریسک مواجه میسازد . بنابراین امکان دارد تغییرات ما را متنفع یا متضرر سازد .

گیلب ریسک را اینچنین معرفی میکند: هر پدیده ای که بتواند نتیجه حاصل از آنچه سرمایه گذار انتظار دارد را منحرف سازد ریسک نامیده میشود .

اولین با هری مارکویتز بر اساس تعاریف کمی ارائه شده ، شاخص عددی برای ریسک معرفی کرد . وی ریسک را انحراف معیار چند دوره ای یک متغیر تعریف کرد .

دیدگاه دیگری در خصوص تعریف ریسک وجود دارد که تنها به جنبه منفی نوسانات توجه دارد .

هیوب ریسک را احتمال کاهش درآمد یا از دست دادن سرمایه تعریف می کند .بنابر این برای تعریف ریسک میتوان دو دیدگاه ارائه کرد :

۱- دیدگاه اول : ریسک بعنوان هر گونه نوسانات احتمالی بازدهی اقتصادی در

آینده

۲- دیدگاه دوم : ریسک بعنوان نوسانات احتمالی منفی بازدهی اقتصادی در آینده

انواع ریسک :

الف)ریسک مالی(ریسک بازار سرمایه ای):

بازار سرمایه و ریسکهای مربوطه ،بر ارزش همه شرکتها اثر می گذارد، به ویژه در مورد سازمان های مالی این اثر بیشتر قابل لمس است و اهمیت بیشتری دارد. در واقع سازمان های مالی به زحمت میتوان ریسک بازار سرمایه را از ریسک بازار محصول تفکیک کرد، زیرا محصولات این سازمانها در بازارهای سرمایه خرید و فروش می شوند. مثل: ریسک نرخ بهره میتواند باعث شود که یک گیرنده وام که از توانایی بالایی برخوردار نیست با ریسک مربوط به سوخت شدن داراییهایش روبرو شود. بنابراین ریسک نرخ بهره میتواند به ریسک تجاری تبدیل شود که خود گونه ای از ریسک بازار سرمایه است.

۱- ریسک نرخ بهره:

در وضع غیر عادی، نوسانات نرخ بهره میتواند بحران نقدینگی به بار آورد. ولی موضوع ریسک نرخ بهره بسی گسترده تر و پر دامنه تر از موضوع نقدینگی است. نوسان قیمت دارایی های مالی که به سبب تغییر در نرخ بهره رخ میدهد، به اندازه ای زیاد است که موجب می شود ریسک سوخت شدن به صورت بزرگترین عامل تهدید کننده برای ادامه حیات سازمانهای مالی در آید. تغییر در ارزش داراییها که به سبب نوسانات نرخ بهره به وجود می آید تابع میزان یا دامنه تغییر نرخ بهره و سررسید دارایی های موسسه است.

۲- ریسک نقدینگی:

برای متخصصان سازمان های مالی، مهمترین ریسک بازار سرمایه مربوط به نداشتن نقدینگی لازم جهت پرداخت به موقع تعهدات است. آشکارترین شکل این ریسک مربوط به ناتوانی موسسه مالی در پرداخت وجوه مورد تقاضا است. سپرده گذاران پس از مواجه با چنین وضعی احساس یأس و ناامیدی میکنند. برای کنترل میزان نقدینگی موسسات مالی باید سررسید و بدهی های موسسه را با عمر داراییهای

موسسه مقایسه کنند. مانده این دو حساب باید متناسب هم باشند تا تغییر نرخ بهره نتواند امنیت و سلامت موسسه را دستخوش تهدید قرار دهد.

۳- ریسک نرخ ارز:

ریسک نرخ ارز به نوسانات نرخ ارز مربوط می شود. ریسک نرخ ارز بر بازار محصول و بازار سرمایه اثر می گذارد. برای مثال تغییر نرخ ارز میتواند بر توانایی سازمان یا فرد وام گیرنده در بازار پرداخت وام، اثر بگذارد. برای کاهش ریسک نرخ راههایی اندیشیده اند و بر آن اساس قراردادهای سلف و معاوضه ها را به کار می برند. از این رو، تنها با استفاده از روش های مدیریت نوین ریسک میتوان این ریسک را کنترل نمود.

۴- ریسک تسویه حساب:

ریسک تسویه حساب شکل خاصی از ریسک ناتوانی انجام تعهدات است که دامنگیر سازمانهای رقیب بانک می شود. هر روز میلیاردها دلار پول در بانک های داخل و بین المللی مبادله می شود. این پولها برای پرداخت بدهی هایی است که از طریق

نقل و انتقال پول، پایاپای کردن چک، بازپرداخت وام و مبادله پول در سیستم پولی در سیستم پولی بین بانکها است.

۵-ریسک مبنا:

ریسک مبنا(ریسک تفاوت در نرخ بهره) گونه ای از ریسک نرخ بهره است، ولی آن موجب پیدایش ریسکهایی می شود که نمی توان آنرا به راحتی مشاهده و درک کرد. برای محفوظ ماندن در برابر ریسک نرخ بهره میتوان از اوراق بهادار غیر مشابه استفاده کرد. ولی موفقیتی که موسسه بدین گونه (در راه مصون سازی) به دست می آورد به ثبات رابطه قابل پیش بینی نرخ دو نوع اوراق بهادار بستگی دارد. تغییر شکاف در نرخ بهره میتواند استراتژی مصون سازی را خنثی نماید که در نتیجه موسسه به میزان بسیار زیادی در معرض ریسک بازار سرمایه قرار می گیرد.

ب)ریسک تجاری(ریسک بازار محصول):

ریسک بازار محصول بستگی دارد به تصمیمات عملیاتی و استراتژیک مدیران که بر درآمد و هزینه های شرکت اثر میگذارد.

۱- ریسک عدم پرداخت وام (ریسک ناتوانی وام گیرنده در بازپرداخت اصل و بهره وام دریافتی):

اصلیترین ریسک بازار محصول در یک بانک یا سازمان دیگر مالی عبارتست از ناتوانی وام گیرنده در بازپرداخت به موقع اصل و فرع بدهی خود؛ در سازمان(غیر از بانک) ریسک مربوط به کاهش ارزش داراییها بدان سبب بوجود می آید که مشتری نمیتواند یا نخواهد به تعهدات خود وفا کند.

بانکها از راههای زیر این ریسک را تقلیل میدهند:

(۱) گرفتن تصمیم معقول در رابطه با دادن وام و یا اعتبار، به گونه ای که ریسک گیرنده وام به صورتی دقیق مورد ارزیابی قرار گیرد.

(۲) با دادن وام به گروههای مختلف درصد زیان را کاهش میدهد.

۳) از اشخاص ثالث مثل شرکت بیمه، تضمین می‌گیرد. به گونه‌ای که ریسک سوخت سرمایه از دوش گیرنده وام برداشته و به شخص ثالث منتقل گردد.

۲- ریسک استراتژیک (تجاری):

بی‌توجهی به این ریسک باعث می‌شود که شرکت در صحنه رقابت شکست بخورد یا محصولاتی که منسوخ و قدیمی شده است ارائه بنماید. نمونه آن اوراق قرضه با ریسک پایین بود که جایگزین وام‌های بانکی گردیده است. نمونه دیگری از ریسک تجاری زمانی مشاهده میشود که بانک آماده نباشد در نوعی فعالیت نو یا عرضه محصول جدید رقابت کند. بانکهایی که با تأخیر وارد فعالیتهای مربوط به کارت اعتباری شدند یا بموقع درصدد عرضه اوراق قرضه با پشتوانه اسناد رهنی مسکن بر نیامدند در این زمینه‌های جدید رقابتی بازنده شدند.

۳- ریسک مقررات و قوانین:

مؤسسات مالی در دنیایی پر از مقررات به سر می‌برند، بنابر این ریسک مقررات بسی‌بیش از آنی است که سایر سازمانها متحمل میشوند. بیشتر مؤسسات مالی با گرفتن جواز فعالیت خود را شروع می‌کنند.

این جوار یا اجازه کار دو ریسک عمده در بر دارد:

نخست امکان دارد این جواز تمدید نشود که در نتیجه سرمایه‌گذار مجبور است مبالغ سنگینی از سرمایه‌گذارهای خود (ساختمان و تأسیسات) را از دست بدهد. دومین ریسک مربوط به مقررات زمانی مشاهده می‌شود که موسسه‌ای دارای نوعی جواز (فعالیت انحصاری) در یک منطقه جغرافیایی است ولی مؤسسات رقیب در همان زمینه با گرفتن جواز شروع بکار می‌کنند. سرانجام قانون مربوط به حداقل سرمایه مورد نظر مشخص میکند چه سازمانهایی میتوانند در صحنه مالی رقابت باقی بمانند و کدامیک باید بروند.

۴- ریسک عملیاتی:

این نوع ریسک موقعی مطرح میشود که موسسه بخوبی عملیات خود را انجام نمی‌دهند و در نتیجه موسسه مواجه با زیان و کاهش ارزش داراییها میشود.

شاید هیچ بخشی از فرایند مدیریت نتواند بیش از بد عمل کردن سیستم موجب شگفتی گردد. این درک نکردن موجب میشود که ریسک بازار محصول افزایش یابد. هیچ موسسه ای نمی تواند چنین ریسکی را نادیده بگیرد. موسسه ای که بکوشد خود را از ریسک عملیاتی مصون دارد، مجبور میشود از مقدار زیادی از سودهای خود چشم پوشی نماید.

۵- ریسک کالا:

قیمت کالاها میتواند بر بانکها و سایر سازمانهای مالی که در زمینه وام فعال هستند اثر بگذارد. برای مثال در دهه ۱۹۷۰ قیمت نفت افزایش یافت و در اواخر دهه ۱۹۸۰ کاهش یافت. نخستین افزایش توانست اثرات منفی بر کل سیستم اقتصادی بگذارد. این پدیده توان بسیاری از گیرندگان وام، بویژه مصرف کنندگان اصلی انرژی را کاهش داد. اثرات عمده افزایش قیمت انرژی موجب افزایش نرخ تورم شد که در نتیجه نرخ بهره هم افزایش یافت که سرانجام بر ارزش دارایی ها مالی که دارای نرخ ثابت بودند اثر منفی گذاشت. این نمونه بیانگر این است که قیمت محصولات اولیه و کالاهاى کشاورزی میتواند بر ریسک تجاری مشتریان و وام دهندگان (از مجرای اثرات نرخ بهره) اثر بگذارد.

۶- ریسک منابع انسانی:

شاید هیچ ریسکی به اندازه ریسک مربوط به سیاست های پرسنلی پیچیده نباشد. این سیاستها عبارتند از: جذب نیروی کار، آموزش دادن، ایجاد انگیزه در آنها و حفظ و نگهداری چنین افرادی در سازمان. ریسک مربوط به ارزش دارایی های غیر مالی، که به وسیله نیروی کار مشخص می شود، دارای جنبه بسیار می باشد. زیان ریسک مربوط به انگیزه های نابجا که گاهی در مدیران مشاهده می شود کمتر از ریسک مربوط به از دست دادن افراد کلیدی سازمان نیست. فقدان انگیزه یا وجود انگیزه های نابجا میتواند به نتایج مالی ویرانگر بینجامد.

۷- ریسک حقوقی:

این ریسکی است که موجب سلب حقوق مالکیت سهامداران می شود.

ریسک های حقوقی به شکل های مختلف اند:

- ۱) سوخت شدن مطالبات سازمان وام دهنده هنگامی که بدهکاران مدعی می شود که ورشکستگی آنان بدان سبب است که بانک تعهد کرده بود اعتبارات بیشتری به آنان بپردازد.

۲) تحت پیگرد قانونی قرار گرفتن موسسه در رابطه با مساله ضایعات به سبب تملک املاک وام گیرند.

۳) خسارت های وارده به مشتری به سبب عدم انجام وظیفه امانت داری بانک . به ندرت امکان دارد که بتوان میزان چنین میزان ریسک های را برآورد نمود. ولی مدیریت سازمان های مالی کنونی باید دست کم چنین ریسکهایی را در نظر داشته باشد مقدار این نوع ریسکهها به چند میلیون دلار می رسد.

۸- ریسک محصول:

یک ریسک عمده دیگر هم برای سازمانهای مالی وجود دارد. زیرا امکان دارد محصولات آنها منسوخ یا قدیمی شود یا سیستم مکانیزه بانکی که افراد می توانند به وسیله دستگاهها پولهایی را دریافت یا پرداخت کنند نمونه ای از این ریسک است. شاید ریسک محصول سازمان های مالی، در مقایسه با سایر سازمانها، از اهمیت بیشتری برخوردار نباشد، ولی تردیدی نیست که این ریسک در زمان کنونی، نسبت به دوره های گذشته که نوآوریها با سرعتی بسیار کند انجام می شد، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

شرکتهایی که بتوانند از عهده این ریسکهها برآیند می توانند نسبت به سرمایه گذاری های خود مطمئن باشند.

ریسک در سرمایه گذاری:

یک راه منطقی برای تقسیم ریسک کلی به اجزای آن ، تمایز میان اجزاء کلی (بازار) و اجزاء خاص (اوراق خاص) است. این دو نوع ریسک را که تجزیه و تحلیل گران مدرن به آنها ریسک غیر سیستماتیک و ریسک سیستماتیک می گویند بصورت زیر میتوان نشان داد:

ریسک سیستماتیک + ریسک غیر سیستماتیک = ریسک کل

۱- ریسک غیر سیستماتیک :

آن قسمت از تغییر پذیری در بازده کلی اوراق بهادار را که به تغییر پذیری کل بازار بستگی دارد. اگرچه کلیه اوراق بهادار تا حدودی از ریسک غیر سیستماتیک برخوردار هستند ولی سهام عادی بیشتر با این نوع ریسک مرتبط است. این نوع ریسک را میتوان با ایجاد پرتفلیو کاهش داد .

۲- ریسک سیستماتیک :

سرمایه گذاران میتوانند با تشکیل پرتفلیو قسمتی از ریسک کلی را که به بازار ربطی ندارد کاهش دهند. آن قسمت از ریسک که باقی می ماند غیر قابل کاهش و ریسک مربوط به بازار است. اگر بازار سهام به سرعت افت داشته باشد بیشتر سهام ها را تحت تأثیر قرار میدهد و بالعکس. این تغییرات بدون توجه به رفتار یک سرمایه گذار خاص رخ میدهد و برای کلیه سرمایه گذاران بحران ساز است. تغییر پذیری در بازده کلی اوراق بهادار، مستقیماً به تغییرات بازار یا اقتصاد بستگی دارد که به آن ریسک سیستماتیک یا ریسک بازار گفته میشود. معمولاً تمامی اوراق بهادار تا حدودی از ریسک سیستماتیک برخوردارند (اعم از اوراق قرضه و سهام) برای اینکه ریسک سیستماتیک در برگیرنده ریسکهای تورم بازار و نرخ بهره است. منابع ریسک:

چه چیزی باعث ایجاد ریسک برای دارایی مالی میشود؟
معمولاً سرمایه گذاران به عوامل مختلفی همچون ریسک نوسان نرخ بهره و ریسک بازار اشاره می کنند. در اینجا فقط به این نکته اشاره میکنیم که ریسک کلی دارایی مالی تابعی است از چندین عامل که در زیر به آنها می پردازیم:

۱- ریسک نوسان نرخ بهره:

ریسکی است که یک سرمایه گذار به هنگام خریدن اوراق قرضه با بهره ثابت می پذیرد. قیمت چنین اوراق قرضه ای در صورت افزایش نرخ بهره در بازار کاهش میابد و دارنده آن در صورت فروش اوراق قرضه خود قبل از سررسید متحمل زیان می شود. قیمت اوراق بهادار با نرخ بهره رابطه معکوس دارد. تاثیر نرخ نوسان نرخ بهره بر روی اوراق قرضه خیلی بیشتر از سهام عادی است و بیشتر مورد توجه دارندگان اوراق قرضه است.

۲- ریسک بازار:

ریسک بازار عبارتست از تغییر در بازده که ناشی از نوسانات کلی بازار است از قبیل رکود، جنگ، تغییرات ساختاری دز اقتصاد و تغییر در ترجیحات مشتریان میباشد.

۳- ریسک تورمی:

این نوع ریسک که تمامی اوراق بهادار را تحت تأثیر قرار میدهد، عبارتست از ریسک قدرت خرید، یا کاهش قدرت خرید وجوه سرمایه گذاری شده

۴- ریسک تجاری:

ریسک ناشی از انجام تجارت یا کسب و کار در یک صنعت خاص یا یک محیط خاص را ریسک تجاری می گویند.

۵- ریسک مالی :

ریسک مالی، ریسک ناشی از بکارگیری بدهی در شرکت است. شرکتی که میزان بدهی آن بیشتر باشد ریسک مالی آن افزایش می یابد.

۶- ریسک نقدینگی:

ریسک نقدینگی، ریسک مرتبط با بازارهای ثانویه ای است که اوراق بهادار در آن معامله می شوند. آن دسته از سرمایه گذاریهایی که خرید و فروش آن به آسانی صورت گیرد و هزینه مبادله آن بالا نباشد از نقدینگی بالایی برخوردار است. هر چه عم اطمینان در خصوص عامل زمان و ابهام قیمتی بالا باشد میزان ریسک نقدینگی نیز افزایش می یابد. ریسک نقدینگی اوراق خزانه خیلی کم و یا صفر است، در حالی که ریسک نقدینگی سهام مربوط به بازارهای خارج از بورس بیشتر است.

۷- ریسک نرخ ارز:

تمامی سرمایه گذارانی که امروزه به صورت جهانی و بین الملل سرمایه گذاری می کنند در تبدیل سود ناشی از تجارت جهانی و بین المللی به پول رایج کشور خود با ریسک نرخ ارز مواجه هستند. میتوان گفت ریسک نرخ ارز، ریسک ناشی از تغییر در بازده اوراق بهادار در نتیجه نوسانات ارزهای خارجی است. به ریسک نرخ ارز، ریسک ارزهای خارجی نیز گفته می شود.

۸- ریسک کشور :

ریسک کشور که با آن ریسک سیاسی گفته می شود سرمایه گذارانی که در کشورهای دیگر سرمایه گذاری می کنند باید به ثبات آن کشور از ابعاد سیاسی و اقتصادی توجه داشته باشند کشورهایی که از ثبات سیاسی و اقتصادی بالایی برخوردارند این نوع ریسک در آن کشورها پایین است

اندازه گیری ریسک :

تا کنون معیارهای مختلفی برای تعیین ریسک برای صاحبان نظران معرفی شده اند که هر یک به جنبه ای از بحث عدم اطمینان اشاره داشته و بعضاً مکمل یکدیگر نیز بوده اند و همگی از روشهای آماری استفاده میکنند. در شاخصهای اندازه گیری ریسک اولین بار از طریق مطالعات شاخصهای پراکندگی آماری توسط هری مارکوویتز با ارائه مدل کمی به اندازه گیری ریسک پرداخت وی انحراف معیار را بعنوان شاخص پراکندگی ، معیار عددی ریسک خوانده شاگرد وی ویلیام شارپ ، شاخص بتا (ضریب حساسیت) را برای تغییرات نسبی ارزش یک سهم در قبال تغییر ارزش بازار با معرفی خط مشخصات ارائه کرد و با معرفی مدل قیمت گذاری داراییهای سرمایه ای (CAPM) مدیریت علمی پرتفوی را پایه گذاری کرد .

مک کالی معیار دیرش را بعنوان ملاک اندازه گیری ریسک اوراق بهادار با درآمد ثابت معرفی کرد و براساس آن مدیریت داراییها و بدهیها طراحی استراتژیهای مدیریت ریسک از جمله تطابق دیرش و مصون سازی ارائه گردید.

در سال ۱۹۹۶ وترستون مدل موسسه جی . پی. مورگان مدل ارزشی را در معرفی ریسک را معرفی نمود . ریسک معمولاً با پراکندگی بازده های آتی مرتبط است و پراکندگی به تغییر پذیری اشاره دارد . فرض برای است که ریسک باعث افزایش تغییر پذیری و پراکندگی میشود و این عبارتست از تفاوت میان بازده واقعی یک سرمایه گذاری با بازده مورد انتظار آن . در واقع اگر بازده یک دارایی ، پراکندگی و تغییر پذیری نداشته باشد آن دارایی بدون ریسک خواهد بود .

۱-انحراف معیار:

متداولترین معیار پراکندگی در طول چند دوره انحراف معیار نام دارد، که انحراف هر مشاهده از میانگین حسابی مشاهدات را نشان میدهد و بخاطر اینکه تمامی اطلاعات نمونه مورد استفاده قرار می گیرد معیار معتبری برای تغییر پذیری است. انحراف معیار عبارتست از اندازه گیری ریسک کلی یک دارایی یا یک پرتفلیو، انحراف معیار نشاندهنده پراکندگی بازده دارایی یا پرتفلیو است.

نحوه محاسبه انحراف معیار به این صورت است:

$$s = \left[\frac{\sum (X - \bar{X})^2}{n-1} \right]^{\frac{1}{2}}$$

S : انحراف معیار

X : هر یک از مشاهدات در نمونه

\bar{X} = میانگین مشاهدات

n = تعداد بازده ها در نمونه

بطور خلاصه میتوان گفت که انحراف معیار بازده، ریسک کلی یک اوراق بهادار یک پرتفلیو را اندازه گیری میکند.

۲- بتا (beta) :

بتا عبارتست از معیار اندازه گیری ریسک سیستماتیک یک اوراق بهادار که بعنوان قسمتی از ریسک کلی نمی توان آن را از طریق ایجاد تنوع کاهش داد یا از بین برد. بتا معیار نسبی ریسک یک سهام با توجه به پرتفلیو بازار تمامی سهام ها است. اگر بازده اوراق بهادار در نتیجه تغییرات بازار بیشتر (کمتر) از بازده بازار باشد پراکندگی بازده آن اوراق بهادار بیشتر (کمتر) از بازده سایر اوراق بهادار موجود در ابزار خواهد بود. بتا شیب خط رگرسیون است که بازده اوراق بهادار با اوراق بهادار موجود در بازار مرتبط می سازد اگر شیب این رابطه برای اوراق بهادار خاصی دارای زاویه ۴۵ درجه باشد. (مانند شیب اوراق بهادار b در شکل) در آن صورت بتا برابر با یک است. یعنی در صورت تغییر هر یک درصد در بازده بازار، بطور متوسط، بازده این اوراق بهادار یک درصد تغییر خواهد کرد. بتا بعنوان شاخص اندازه گیری ریسک

سیستماتیک برای سهام عادی است. بطور خلاصه، بتای معمولی بازار برابر یک است. سهام هایی که بتای آنها از یک بیشتر است سهام های پر ریسک هستند که پراکندگی بازده آنها زیاد است و بالعکس سهام هایی که بتا آنها کمتر از یک است سهام های کم ریسکی هستند که پراکندگی بازده آنها کمتر است. برای اندازه گیری، ریسک سهام، بتا معیار مناسبی است. برای مقایسه ریسک سیستماتیک سهام مختلف، بتا معیار مفیدی است و سرمایه گذاران برای قضاوت در خصوص ریسک سهام از آن استفاده می کنند. با استفاده از بتا می توان سهام مختلف را رتبه بندی نمود. سهامی که بتا آنها بالا (پایین) باشد ریسک آن سهام بالا (پایین) خواهد بود.

ابزارهای کنترل ریسک:

بعد از اینکه مدیر ریسک، ریسکهای رو دروی شرکت را شناسایی و ارزیابی نمود، باید در مورد چگونگی آنها تصمیم گیری کند برای این منظور دو روش اساسی وجود دارد

نخست: مدیر ریسک می تواند از روشها و ابزارهای کنترل ریسک برای تغییر ریسکها نظیر ۱- کاهش متوسط خسارات اموال و مسئولیت و نیروی انسانی شرکت و ۲- بالا بردن قابلیت پیش بینی تجربه خسارات سالیانه استفاده کند.

ابزارهای کنترل ریسک عبارتند از:

۱- اجتناب ۲- کنترل خسارت ۳- پراکنده سازی ۴- ترکیب ۵- چند روش

انتقال

دوم: مدیر ریسک میتواند از ابزارهای تامین مالی ریسک برای تامین مالی خساراتی که اتفاق می افتد، استفاده کند. ممکن است ذخایری برای تعمیر یا جایگزینی اموال صدمه دیده، تسویه دعاوی مسئولیت، یا جایگزین کردن کارکنان یا مالکان از کار افتاده یا متوفی مورد نیاز باشد.

ابزارهای طبقه بندی دوم عبارتند از:

۱- آن دسته از انتقالاتی شامل خرید بیمه که ابزار کنترل ریسک محسوب

نمی شود.

۲- نگهداری که شامل ((خود بیمه گری)) است.

(۱) اجتناب:

یک راه برای کنترل یک ریسک واقعی خاص، اجتناب از دارایی، شخص یا فعالیت هایی است که دارای ریسک است از طریق :

الف) امتناع از پذیرش آن حتی به صورت لحظه ای

ب) رها کردن ریسکی که قبلاً تقبل شده است ، می باشد. اجتناب از ریسک منبع ریسک را از بین می برد.

ملاحظات موثر در استفاده از روش اجتناب :

الف) اجتناب ممکن است غیر ممکن باشد بعنوان مثال، تنها راه اجتناب از ریسکهای مسئولیت دست کشیدن از زندگی است.

ب) مزایای بالقوه ای که از استخدام یک شخص، داشتن یک قلم دارایی، یا درگیر شدن در بعضی از فعالیت ها به دست می آید ممکن است خیلی بیشتر از خسارت بالقوه و عدم اطمینان های نهفته در آن باشد.

اجرا و ارزیابی، برای اجرا تصمیم اجتناب از ریسک ، مدیر ریسک باید تمام دارایی ها ، اشخاص و فعالیتهایی که تولید ریسک می کنند و شرکت خواهان اجتناب از آنهاست تعریف کند. روش اجتناب از ریسک تنها در صورتی موفقیت آمیز است که زیان از ناحیه اجتناب از ریسکهایی که شرکت خواهان اجتناب از آنهاست وجود نداشته باشد.

۲- کنترل خسارت:

روشهای کنترل خسارت از طریق کاستن از احتمال وقوع خسارت یا در صورت وقوع آن از طریق کاستن از شدت خسارت مقابله با ریسک بر

می خیزد . کنترل خسارت ضمن اینکه به شرکت اجازه ادامه فعالیت را که تولید ریسک میکند ، می دهد توان منحصر به فردی برای پیشگیری یا کاهش خسارات هم در مورد شرکتهای و هم در مورد جامعه دارد.

روشهای کنترل خسارت:

ممکن است به روشهای متعددی طبقه بندی گردند:

الف) بر حسب اینکه روشهای پیشگیری از خسارت باشند یا کاهش خسارت

ب) بر حسب علت حادثه ای که آنها برای کنترل آن طراحی شده اند.

ج) بر حسب محل شرایطی که آنها برای تغییر آن طراحی شده اند.

د) بر حسب زمان آنها

اولین گام در کنترل خسارت تجزیه و تحلیل: ۱- خساراتی که اتفاق افتاده است ۲- خطراتی که سبب آن خسارات بوده اند یا ممکن است در آینده منجر به خساراتی شوند، می باشند؛ انجام این گام مستلزم الف) یک گزارش جامع ب) بازرسی دوره ای میباشد.

۳- پراکنده سازی (جدا سازی):

پراکنده سازی ریسکها منجر به خسارت شرکت بجای متمرکز کردن آنها در یک نقطه (محل) جایی که همه آنها ممکن است در معرض یک خسارت مشابه قرار گیرند.

۴- ترکیب (مضاعف سازی):

ترکیب نیز قابلیت پیش بینی تجربه خساراتی را از طریق تعداد واحدهای در معرض ریسک افزایش می دهد. تفاوت این روش با پراکنده سازی در این است که پراکنده سازی، یک یک تعداد مشخص از واحدهای در معرض ریسک را پخش می کند، ترکیب واحدهای در معرض ریسک تحت کنترل را افزایش می دهد.

۵- انتقال:

انتقال مکن است به سه طریق صورت گیرد:

الف) دارایی یا فعالیت در بر دارنده ریسک ممکن است به شخص یا گروهی از اشخاص دیگر انتقال یابد.

ب) ریسک به جای دارایی یا فعالیت ممکن انتقال یابد.

ج) بعضی از انتقالات کنترل ریسک، ریسک را محدود میکند ولی مسئولیت مالی انتقال گیرنده را حذف نمی کند.

رابطه ریسک و بازده:

اساس و پایه تصمیمات سرمایه گذاری رابطه میان ریسک و بازده است. این رابطه نشاندهنده یک رابطه خطی مثبت میان ریسک و بازده مورد انتظار است بنحوی که با افزایش ریسک، بازده مورد انتظار نیز افزایش می یابد. سرمایه گذاران ریسک گریز و منطقی زمانی ریسک را می پذیرند که انتظار

داشته باشند بازده بیشتری بدست آورند عبارت دیگر سرمایه گذار ریسک گریز کسی است که در ازای قبول ریسک انتظار دریافت بازده بیشتری دارد. سهام عادی پر ریسکترین دارایی بودند که بیشترین میانگین بازده را به همراه بیشترین ریسک دارا بودند. و اوراق خزانه یک دارایی بدون ریسک است که کمترین میانگین بازده را با کمترین ریسک دارا بود. اوراق قرضه ما بین این دو دارایی قرار دارد و ریسک و بازده آن حالت متوسطی را دارد با این حال ریسک و بازده اوراق قرضه شرکتی، بیشتر از ریسک و بازده اوراق قرضه خزانه است. در خصوص ریسک و بازده آتی نیز، همین رابطه ریسک و بازده حاکم است. دارایی هایی که ریسک آنها بیشتر است باید بازده بیشتری نیز داشته باشند. با این حال باید به خاطر داشته باشیم که این رابطه میانگین است و نباید انتظار داشته باشیم در هر دوره ای این رابطه مصداق داشته باشد. طبیعی است هر چه دوره کوتاهتر باشد احتمال برقراری این رابطه در راستای جهت مورد انتظار کمتر خواهد بود.

با وجود این، روابط زیر در مورد رابطه ریسک و بازده میتوان انتظار داشت:

- (۱) بازده مورد انتظار بایستی رابطه مثبتی با ریسک داشته باشد، به این معنا که روابط آتی میان ریسک و بازده باید مثبت باشد.
- (۲) در دوره های زمانی بلند مدت، مانند دوره های ۲۰ ساله یا بیشتر، رابطه تاریخی (رابطه داده های مربوط به گذشته) میان ریسک و بازده باید مثبت باشد.
- (۳) در دوره های زمانی کوتاه مدت، مانند یک یا دو سال انتظار می رود رابطه ریسک و بازده همیشه مثبت باشد. با این حال این رابطه ممکن است منفی و یا با شیبی به سمت پایین باشد. برای اینکه اگر این حالت درست نباشد در این صورت نباید انتظار ریسک را داشته باشیم.

مدیریت ریسک

چکیده:

ریسک اجتناب ناپذیر است اما قوانین رقابتی شرکتها و سازمانها را مجبور میسازند تا نگاه دقیقتری به استراتژی مدیریت ریسک داشته باشند و بدین طریق کارایی عملیاتی و مزیت رقابتی شان را افزایش دهند. مدیریت اثربخش ریسک سبب بهبود اتخاذ تصمیم میشود شما میتوانید به کمک مدیریت ریسک بطور چشمگیری با استفاده از تکنولوژی اطلاعات از اتلاف بودجه در زمینه تکنولوژی اطلاعات و دوباره کاری بکاهید.

تکامل مدیریت ریسک:

ریسک محرک قدرتمندی است. امروزه شکست در مدیریت ریسک میتواند سبب از دست دادن نیروی انسانی حرفه ای، از دست دادن شرکای تجاری و از دست دادن بازار یا فرصتهای درآمد زایی و از همه بدتر از دست دادن کامل عملیات کسب و کار شود.

هر سازمانی با ریسک دست و پنجه نرم می کند، اما در صورت درک و مدیریت درست ریسک، آن ریسک میتواند به مزیت رقابتی تبدیل شود.

استراتژی سنتی مدیریت ریسک بر کنترل ریسکهای شناخته شده و ناشناخته با هدف به حداقل رساندن احتمال و هزینه روی دادن آنها متمرکز هستند. امروزه سازمانهای مدیریت ریسک را بعنوان عامل فعال کننده کسب و کار میدانند؛ این دیدگاه جدید نه تنها ریسک را تهدید نمی داند بلکه آن را فرصت جدیدی تلقی می

کند که می تواند اهرمی برای ساخت محصولات جدید ، خدمات جدید ، مدل‌های جدید کسب و کار و راه‌های جدیدی برای رقابت در بازار است. امروزه سازمان‌های موفق ، استراتژی‌هایی را می سازند که مدیریت ریسک را با ریسک متوازن نماید تا بدین ترتیب نوآوری افزایش یابد و در بازار جایگاه ویژه ای برای سازمان ایجاد گردد.

تعریف مدیریت ریسک :

مدیریت ریسک فرآیندی که از طریق آن شرایط (احتمال) وقوع خسارت غیر منتظره کنترل و کاربردی میشود؛ در اینجا مدیریت ریسک شامل برنامه ریزی اقتضایی و مداومی است که می پرسد « چه میشود ...» مدیریت ریسک عبارتست از فرآیندی که از طریق آن یک سازمان یا سرمایه گذار با روش بهینه در مقابل انواع ریسکها از خود واکنش نشان می دهد؛ بر این اساس مدیریت ریسک ابتدا انواع ریسکها را شناسایی میکند و سپس روش کنترل آنها را مشخص می سازد .

مدیریت ریسک فرآیند سنجش یا ارزیابی ریسک و سپس طرح استراتژی‌های برای اداره ریسک است. بطور کلی؛ مدیریت ریسک فرآیند شناسایی ، ارزیابی و کنترل ریسکهای اتفاقی بالقوه ای است که مشخصاً پیشامدهای ممکن آن خسارت یا عدم تغییر در وضع موجود می باشد.

www.kandoocn.com

نقش مدیریت ریسک :

نقش مدیریت ریسک عبارتست از توصیه و پذیرش خط مشیها که حقوق مالکان شرکت را در برابر ذینفعان شرکت در زمینه هایی که مدیر ریسک دارای دانش تخصصی است متوازن می کند.

اغلب توجه مدیر ریسک بر جنبه های بلندمدت ریسک متمرکز است تا اثرات کوتاه مدت آن ، بنابر این یک مدیر ریسک فعالیتهایی را که میتواند بر ارزش داراییهای بلند مدت شرکت زیان آور باشد، نظارت و کنترل می کند. همچنین میتواند در مقام یک مشاور ایمنی در تصمیمات بودجه بندی سرمایه ای خدمت کند . تصمیمات مدیریت ریسک می تواند توازن را به نفع یا به ضرر کل پروژه تغییر دهد.

از طرفی ، مدیر ریسک در مقابل مالکان شرکت نیز مسئول است. در تصمیم گیری در خصوص ریسکهای شرکت ، مدیر ریسک ممکن است نقش رقیب را با سایر مدیران به خود بگیرد ، معمولاً مدیران برای کتمان کردن اطلاعات نامطلوب دارای انگیزه هستند ، انگیزه ای که با هدف مدیر ریسک در تجزیه و تحلیل ریسک در تضاد است . در آخر اینکه مدیران بعنوان مشاور مدیران دیگر ، مباحث مرتبط با اداره کردن داراییهای بلند مدت در معرض ریسک است .

اهداف مدیر ریسک :

رابطه مهم و باب هیچز معتقدند که فعالیتهای مدیریت ریسک به سوی اهداف خاصی هدایت می شود . این اهداف عبارتند از :

۱- بقا:

حفظ هزینه ها زیر حد معین که بالاتر از آن این هزینه ها می تواند ادامه بقای سازمان را مورد تحدید قرار دهد .

۲- صرفه جویی :

در صورتی که این اهداف با سایر اهداف سازگار باشد ، هزینه کل مدیریت ریسک را در پایینترین سطح عملیاتی حفظ میکند.

۳- سطح قابل قبولی از نگرانی و اضطراب :

که به آن آسودگی خاطر یا یک خواب آرام شبانه نیز اطلاق می شود

۴- ثبات عایدات (درآمدها):

محدود نمودن کاهشهای پیش بینی نشده در عایدات یا جریانهای نقدی ناشی از خسارات به یک سطح قابل قبول

۵- عدم توقف عملیات (تداوم فعالیتهای کاری عادی با حداقل تأخیر):

به دنبال یک خسارت فعالیتهای عادی شرکت باید در معرض حداقل توقف باشد، این هدف برای فعالیتهایی که برای جامعه اهمیت حیاتی دارند (مثل بیمارستانها) اهمیت ویژه ای دارد.

۶- رشد مداوم :

هدف رشد مداوم ممکن است مستلزم تخصیص منابع قبل از وقوع هر خسارتی باشد .

۷- مسئولیت اجتماعی یا سودمند بودن ، محدود نمودن خسارات برای کارکنان، عرضه کنندگان ، مشتریان ، بستگان و اعضای جامعه:

مثل پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان در دوران توقف عملیات شرکت و نصب تجهیزات ایمنی

۸- رعایت مقررات موضوعه خارجی :

رعایت مقررات نگهداری سوابق و سایر الزامات خارجی

... یک روش سودمند برای تقسیم بندی هشت هدف فوق این است که مشخص

نماید که شرکت قبل یا بعد از خسارت به دنبال تحقق آنها می باشد بطوری که با

این روش می توان اهداف را به شرح زیر طبقه بندی کرد:

بعد از خسارت

قبل از خسارت

صرفه جویی	بقا
سطح قابل قبولی از نگرانی و	ثبات عایدات
اضطراب	ادامه فعالیت
	ادامه رشد

مسئولیت اجتماعی، تمایل داشتن به یک تصویر عمومی خوب و رعایت مقررات موضوعه خارجی میتواند هم به عنوان اهداف قبل از خسارت و هم به عنوان اهداف بعد از وقوع خسارت مطرح شوند.

ابزارها و روشهای مدیریت ریسک :

برای مدیریت ریسک روشهای متعددی وجود دارد برخی از انواع ریسک را نمی توان تحت کنترل قرار داد ، از جمله ریسک سیاسی یا ریسک بلایای طبیعی که سرمایه گذاری را تحت تأثیر قرار می دهد . ابزارهای مدیریت ریسک براساس ابزارها و قراردادهای تعریف شده مالی ، مشارکت کنندگان بازارهای مالی را به یکدیگر معرفی و با روشهای استاندارد ریسک بین دو گروه توزیع میکند . ابزارهای مدیریت ریسک هر یک با شیوه ای خاص فرایند توزیع ریسک را انجام می دهند .

۱- قراردادهای و پیمانهای آتی:

قراردادهای و پیمانهای آتی شرکتها را در مقابل ریسک آتی مصون می دارد . اینگونه قراردادهای نرخهای ثابت و نرخهای شناور آتی را با یکدیگر مرتبط می سازد و به طرفین اجازه میدهد تا این نرخ را به یکدیگر تبدیل کنند مثل : اگر شرکتی تولید کننده ییاف مصنوعی باشد که قیمت آن دارای نوسانات زیادی است ، میتواند محصولات خود را در بازارهای آتی به قیمت از پیش تعیین شده بفروشد، براین اساس اگر قیمت آتی ییاف مصنوعی کاهش یابد شرکت محصول خود را با قیمت از پیش تعیین شده بفروش می رساند و ریسک نرخ فروش آن شرکت را متضرر نخواهد شد ، البته همزمان، منافع ناشی از افزایش قیمت ییاف مصنوعی نیز از آن شرکت سلب خواهد شد.

۲- اختیار معامله:

این اختیار و امکان را به شرکت می دهد تا یک طرف ریسک را برای خود بپوشاند ، در این حالت مثلاً اگر قیمت الیاف مصنوعی کاهش یابد ، قرارداد را اجرا می گذارد و در صورت افزایش قیمت الیاف مصنوعی ، قرارداد را اجرا نخواهد گذاشت و محصول خود را در بازار به قیمت بیش از قیمت قرارداد خواهد فروخت . البته هزینه قرارداد اختیار معامله بیشتر از قرارداد آتی خواهد بود.

۳- قرارداد تاخت:

ابزار رایج دیگری در بازارهای مالی است که براساس آن نرخهای شناور برای تحویل‌های آتی معاوضه می گردند و بدین صورت ریسک ناشی از نرخ آتی قابل کنترل میشود .

۴- استراتژی متنوع سازی :

ابزار دیگر مدیریت ریسک برای پرتفوی سرمایه گذار است . براساس نظریه پرتفوی که توسط مارکوویتز مطرح شد ؛ پرتفوی سرمایه گذاری با داراییهایی که ضریب همبستگی منفی دارند ریسک همبستگی را به حداقل می رساند و از همان زمان اصطلاح ((تمام تخم مرغ های خود را در یک سبد قرار ندهید)) در بی ن افرادی که در حوزه مالی فعالیت می کردند شایع شد .

عناصر اصلی در مدیریت ریسک:

برنامه مدیریت ریسک در صورتی در یک سازمان موفق خواهد بود که با برنامه استراتژیک و همچنین استراتژی های مالی هماهنگ باشد . بنابر این مدیریت ریسک را افرادی در سازمان باید انجام دهند که با مسائل کلی آشنا باشند و اهداف استراتژیک سازمان را بدانند و علاوه بر آن باید در حوزه مدیریت ریسک و استفاده از ابزار آن تجربه کافی داشته باشند ؛ چرا که استفاده از ابزار مدیریت ریسک با خطراتی نیز همراه است که در صورت عدم دقت کافی به نتایج ناخوشایندی منجر خواهد شد . ابزار مدیریت ریسک گاهی به تیغ تشبیه شده است که در صورت استفاده صحیح نتایج مثبتی می توان از آن بدست آورد و استفاده نادرست از آن منجر به حوادث وحشتناکی خواهد گردید با این حال این توصیف نمیتواند دلیلی برای استفاده نکردن از آن باشد .

عناصر اصلی در موفقیت ریسک عبارتند از :

۱. تشخیص منابع ریسک
۲. اندازه گیری میزان ریسک
۳. ارزیابی تأثیر میزان ریسک مورد نظر بر کل سازمان و استراتژیهای مالی
۴. ارزیابی توانایی های سازمان در برنامه ریزی برای مدیریت ریسک یا استفاده از ابزارهای مدیریت ریسک
۵. انتخاب ابزارهای مناسب و مفید مدیریت ریسک

شش گام در فرآیند مدیریت ریسک :

مدیریت ریسک شناسایی، ارزیابی و کنترل ریسکهای واقعی اموال، مسئولیت و نیروی انسانی است .

این فرآیند شامل گامهای زیر است :

- ۱- تعریف اهداف:
اولین گام تعریف اهدافی است که شرکت یا خانواده از فرایند مدیریت ریسک به دنبال آنها است و اهداف مدیریت ریسک باید با استفاده از اطلاعات ارائه شده توسط مدیریت ریسک به وسیله هیئت مدیره یا مالکان شرکت تعریف میشوند.
- ۲- شناسایی ریسک:
مشکلترین وظیفه مدیریت ریسک است
- ۳- ارزیابی خسارات بالقوه:
این ارزیابی شامل تعیین:
احتمال یا شانس وقوع خسارت
اثر این خسارتهای بر روی وضعیت شرکت یا خانواده ها در صورت وقوع
توانایی پیش بینی خساراتی که واقعاً اتفاق خواهند افتاد
- ۴- انتخاب ابزار مناسب در مقابله با مشکلات:
اجتناب از ریسک
کاهش دادن احتمال وقوع خسارت یا در صورت اتفاق جلوگیری از توسعه دامنه آن
انتقال خسارات بالقوه به طرف مقابل

نگهداری یا تحمل خسارات توسط شرکت

۵- اجرای تصمیمات اخذ شده

۶- نظارت بر نتایج تصمیمات اخذ و اجرا شده

چرا مطالعه مدیریت ریسک مهم است؟

مدیریت ریسک، فرآیند شناسایی، ارزیابی و کنترل ریسکهای اتفاقی بالقوه ای است که مشخصاً پیشامدهای ممکن آن خسارت یا عدم تغییر در وضع موجود می باشد. بعنوان مثال آتش سوزی ها منجر به خسارت کلی در هتل میشوند یا سقوط هواپیما و ...

مدیریت ریسک مناسب، یک شرکت را قادر میسازد که به مؤثرترین و اقتصادی ترین وجه، ریسکهای خود را کنترل نماید.

به موازات پیچیده شدن زندگی بشر، توسعه ارتباطات و افزایش عدم اطمینان، ریسکهای جدید نیز خلق شده اند و شدت بسیاری از ریسکهای قدیم نیز افزایش یافته است

آرامشی که بوسیله کاهش عدم اطمینان ارائه میدهند به زندگی ما ثبات می بخشد.

هدف مدیریت ریسک است نه اجتناب از ریسک!

سازمانهای مالی علاوه بر اینکه ریسکهای مربوط به خود را اداره می نمایند به دیگران نیز کمک میکنند تا ریسک خود را کاهش دهند، مثلاً آنها محصولاتی را عرضه می نمایند که موجب انتقال ریسک از مشتری به بانک می شود.

ریسک به خودی خود غیر قابل اجتناب است ولی میتوان آن را به اشخاص مختلف منتقل نمود. افزایش فزاینده ریسک بازار سرمایه و ریسک بازار محصول در سازمانهای مالی باعث شده است که بسیاری از مقامات اجرایی در صدد راه فرار و

مصون ماندن از این ریسک برآیند. به تازگی کاهش ریسک برای مشتریان و سازمانهای مالی، بعنوان یکی از فعالیتهای عمده مد نظر است. نوآوری های مالی بیشتر در جهت کاهش ریسک صورت گرفته است. سطح قابل قبول ریسک، حداکثر مقداری است که بتوان بدون به خطر انداختن موجودیت سازمانها آن را تحمل کرد و تحمل این ریسک باید همراه با دریافت مقدار مشخصی پاداش به صورت بازده اضافی باشد. میزان آن ریسک نباید آنقدر زیاد باشد که حیات سازمان را به خطر اندازد زیرا هنگامی که سازمان در قید حیات نباشد چه پاداشی را می تواند دریافت کند. یکی از هدفهای اصلی سازمانهای مالی تعیین میزان مناسبی از ریسک است که قادرند در بازارهای مالی بپذیرند. با انتقال دادن ریسک به طرف دیگر، نمیتوان مدعی شد که ریسک از بین رفته است. از آنجا که سازمانهای کارا که ریسک پذیر هستند بهای آن مقدار ریسک را تعیین می کنند بنابر این اقدامات استراتژیک مدیریت ریسک عبارتست از شناسایی سازمانهایی که در بهترین موضع یا موقعیت هستند و می توانند ریسک را بپذیرند. سازمانهایی که با هزینه کم میتوانند ریسک را بپذیرند میتوانند از مزایای حاصل از این اقدام بیشترین سود را ببرند.

نتیجه گیری...

ریسک از شاخصهای اصلی تصمیم گیری برای سرمایه گذاری است که از مطرح شدن آن با این عنوان بیش از نیم قرن می گذرد. در طول این مدت تحقیقات زیادی در خصوص شاخص اندازه گیری ریسک انجام شده است در حال حاضر مدیریت ریسک یکی از شعب اصلی علم مالی است و در کلیه نهادهای پولی و مالی در سطح بین المللی ، بخش مدیریت ریسک اهمیت زیادی دارد و گزارشات این بخش به طور گسترده ای در تصمیم گیری های سازمانی در نظر گرفته می شود .

مدیریت ریسک که همواره درصدد به حداکثر رسانیدن هزینه های عملیاتی است در مراکز و کانون حرکت یا فرآیندی قرار میگیرد که باید عملکرد برتر را تعیین نماید. تفاوت در فلسفه مدیریت ریسک و روشی را که بکار می گیرند میتواند موجب رونق ، ضعف یا شکست شرکت گردد. در سازمانهای کنونی هیچ مدیر ارشدی نمی تواند بدون درک گسترده ابعاد ریسک و راهها یا ابزارهای مختلف جهت اداره و کنترل آن ،وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهد.

برخی از مدیران در برابر این کار خطیر عقب نشینی کرده اند و کوشیده اند خود را از پدیده ریسک به دور نگه دارند، آنها کوشیده اند تا دست به عملیاتی که ریسک مهم دارند نزنند یا اینکه ریسک را به دیگران منتقل نمایند . اگر چه در فرآیند مدیریت ریسک این روش از جایگاه مهمی برخوردار است ولی مدیران از طریق اجتناب یا پرهیز از ریسک های سنگین میتوانند ارزش سازمان را وجه المصلحه قرار دهند.

در سالهایی که در پیش است برندگان این مسابقه را از بازندگان بدین گونه تفکیک کرد:

- ۱- قرار دادن سازمان در نقطه ای که ریسک چندان سنگین است.
- ۲- قرار دادن سازمان در نقطه ای که ریسک وجود ندارد.

منابع و مأخذ:

۱- نشریه تحقیقات مالی(تألیف: دکتر علی جهانخانی)

- ۲- کتاب مدیریت سرمایه گذاری (نویسنده: چارز پی جونز)
- ۳- کتاب مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک (نویسنده: دکتر رضا راعی)
- ۴- کتاب مدیریت ریسک (نویسندگان: سی آرتور ویلیامز، ریچارد دام هینز)
- ۵- کتاب مدیریت مالی (تألیف: بقایی)
- ۶- کتاب بانکداری و تأمین مالی بین المللی (تألیف: حمید برهانی)
- ۷- فصل نامه سرمایه
- ۸- مقاله مسائل مرتبط با ریسک (نویسنده: دکتر ضیاء رفیعیان)
- ۹- مقاله مدیریت ریسک (نویسنده: شهناز پیروز فر)
- ۱۰- مدیریت ریسک، رویکردی نوین برای اثر بخشی سازمانها (نویسندگان: دکتر محمد علی بابایی، حمید رضا وزیر زنجانی)
- ۱۱- اینترنت:

Finance_blogfa.com

<http://fa.wikipedia.org>

www.harkat.com

Hakerz.ir

Sans.org

Ganjine.com

Aftab.ae

Itiran.com

Pars_masaleh.com

Nedayezad.com

سایت بانک ملی ایران

پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه ایران